

## بسمه تعالی

### اقتصاد اسلامی، مغفول در اقتصاد ایران اسلامی

آنالیز قیمت کالا و خدمات با توجه به منطق بازار و اقتصاد برنامه ای

اقتصاد ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دچار دوگانگی های گوناگون بین اقتصاد بازار و اقتصاد برنامه ای شده و این صفت شتر مرعی در مقاطع مختلف زمانی، دچار سر در گمی در اجرای برنامه های اقتصادی گردیده و آسیب زیادی در روند رشد اقتصادی زده و موفقیت های پیش روی برنامه ریزان و مجریان را دچار خلل کرده است. حاکمیت این تفکر دوگانه هرگز نتوانسته علامتی درستی به سرمایه گذاران بخش خصوصی داخلی و خارجی بدهد تا مسیر خود را برای سرمایه گذاری بخش های مختلف اقتصاد انتخاب نمایند. تغییر دولت ها و نگاه سلیقه ای به اقتصاد، وضعیت این دوگانگی را عمیق تر کرده است. امروز به نظر می رسد بیشتر از هر زمانی دیگر، با بسیاری از سیاست های کلی نظام اعم از اصول قانون اساسی و سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز ۲۵ ساله و برنامه های پنج ساله توسعه فاصله گرفته ایم و در این سالها اقتصاد بیشتر به طرف سوداگری و واردات پیش رفته و این روش سوداگرانه که کوتاه ترین راه برای ثروت اندوزی برای عده قلیلی از فرصت طلبان باز کرده، سوق پیدا نموده است. بسیاری از گرفتارهای دولت ها در موضوعات اقتصادی از ناحیه عدم وجود برنامه درسیاستهای راهبردی در اقتصاد حکایت دارد. این رفتارها نشان می دهد که دولت مردان و متفکران تأثیر گذار در برنامه ریزی های اقتصادی از اقتصاد اسلامی که توسط بزرگان چون شهید محمد باقر صدر، شهید مطهری و شهید بهشتی و دیگر پیشقراولان تبیین کننده اقتصاد اسلامی بودند، شدیداً فاصله گرفته اند. وقتی تحلیل گران مسایل اقتصادی در تحلیل خود در رسانه های ارتباطات جمعی به ویژه در رسانه ملی از حاکمیت مکانیزه بهره در اقتصاد ایران به راحتی صحبت می نمایند. باید از این حدیث مجمل داستانهای زیادی را حکایت نمود که چگونه به این نقطه رسیده ایم و با تصور اینکه در یک کشوری زندگی می کنیم، یک اقتصاد لیبرالی در کشور حاکم است و مکانیزم بهره مهمترین اهرم متعادل کننده بازار کالا و داراییها است. البته این موضوع یکی از مباحث مهم اقتصادی در دوره کارشناسی ارشد و دوره دکتری دانشجویان در رشته اقتصاد است، که بحث پایه ای چگونگی ایجاد تعادل در بازارهای کالا و داراییها در منحنی های  $LM$  و  $IS$  است را به نمایش می گذارد. نحوه شکل گیری قیمت کالا و خدمات و داراییها در همین مبحث تعیین می شود. بنا بر این مباحث مزبور در یک بازار اقتصادی کاملاً رقابتی و با اقتصاد لیبرالی بدون مزاحمت های دولت حاکم، در یک فضای آزاد شکل می گیرد. غیر از ابتلای این کشورها به دوران بحرانهای مالی و اقتصادی که در این بازارها بعضاً بروز می کند و دولت ها مجبور به مداخله می شوند، تا به توانند از رکود و بحرانهای اقتصادی و مالی بکاهند، دخالتی در فعل و انفعالات بازار ندارند. بیشتر کشورهای صنعتی غربی کم و بیش از این الگو تبعیت کرده اند.

اما کشور انقلابی ایران که بر اساس شرع مقدس اسلام می خواسته اقتصاد اسلامی را در ایران حاکم کند و برای این منظور، قانون بانکداری بدون ربا را تدوین و در ابتدای دهه ۶۰ اجرایی شد، آیا تاکنون چه میزان در اجرای برنامه های پیاده سازی اقتصاد اسلامی موفق بوده ایم؟ در حالی کشور پاکستان و بانک توسعه اسلامی قوانین بانکداری اسلامی تقریباً بی نقص اجرا کرده اند.

سؤال کلیدی از مدیران ارشد و برنامه ریزان این است، در حال حاضر اقتصاد ایران در کجای این دو مکتب اقتصاد یعنی مکتب اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصاد سرمایه داری قرار دارد؟ همانطور که گفته شد اقتصاد اسلامی در یک متغیر تعیین کننده مثل نرخ بهره با اندیشه های سرمایه داری، اختلاف ریشه ای از نظر اصول دارد؟

در اقتصاد بازار، نظام قیمت گذاری بر اساس مکانیزم بازار تهیه می شود. قیمت تعادلی و کیفیت کالاهای عرضه شده در یک بازار کاملاً رقابتی شکل می گیرد. مصرف کننده در این بازار رقابتی انتخابهای زیادی با توجه به قیمت و کیفیت کالا دارد. در این بازار رقابتی، حاشیه سود بستگی به فروش بیشتر و جلب مشتریان برای خرید کالا و خدمات تولید شده دارد. بنا بر این در بازار رقابتی، شفافیت و تبادل آزاد اطلاعات بازار کالا و خدمات شرط لازم این بازار است. نقش دولت در اقتصاد این کشورها صرفاً وظیفه ایجاد امنیت داخلی و خارجی و اداره سازمان هایی نظیر مالیات ستانی، دستگاه قضا و تنظیم سیاست خارجی و مناسبات بین المللی را به عهده دارد. در این کشورها حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد بودجه دولت از ناحیه مالیات مأخوذه از فعالیت های بخش خصوصی تأمین می شود. پس به این ترتیب تکلیف دولت و ملت معلوم است. نظام اقتصادی که در این کشورها شکل گرفته، کاملاً در فضای رقابتی است و بخش خصوصی، کالا و خدمات تولید شده خود را بر اساس مکانیزم قیمت رقابتی در بازار عرضه می کند. مصرف کننده قادر است بر اساس در آمد قابل حصول خود آزادانه در بازار رقابتی کالای مورد نظر خود را با قیمت پایین و

کیفیت بالا تهیه نماید و دولت هم بر اساس وظایف اصلی خود اداره کشور را از محل درآمدهای مالیاتی ، تأمین اجتماعی و عوارض گمرکی آنها جزو اقلام مالیاتی است ، دریافت می کند . این سیستم اقتصادی در کشورهای که دارای نظام اقتصادی متکی بر بازار هستند ، آزادی کامل انتخاب وجود دارد . دولت موظف نیست عدالت اقتصادی و اجتماعی را با دخالت نظام بازار و دستوری برقرار کند . در این نظام کسی برنده است بتواند در مسابقه رقابت از دیگران پیشی بگیرد . واحدهای زیان ده خود بخود از دور رقابت بازار خارج شده و به صورت ورشکسته رها می شوند . **اقتصاد فعلی ایران در کجای این جایگاه قرار دارد ؟ نه قوانین اقتصاد سرمایه داری بر آن حاکم است و نه قوانین اقتصاد اسلامی در آن جایگاهی دارد .**

در نظام اقتصادی اسلامی همانطور که اشاره شد با توجه به حرمت ربا در شرع مقدس اسلام ، متغیر بهره نقش کلیدی در اقتصاد ندارد . حال این سؤال ممکن است مطرح شود حال که متغیر متعادل کننده بازار کالا و خدمات و پول که بهره است ، با حذف آن چگونه بازار به تعادل می رسد و قیمت کالا و خدمات در این بازار چگونه تعیین می شود ؟ علما ، اندیشمندان و تبیین کنندگان اقتصاد اسلامی که بهره را از نظام اقتصادی حذف کرده اند ، پاسخ درستی به این سؤال در غیاب متغیر بهره که چه عاملی جایگزین آن خواهد شد ، داده اند . اندیشمندان اقتصاد اسلامی قائل به پول اعتباری نیستند . پول اعتباری پولی است که به عنوان اسکناس توسط بانک مرکزی کشورها چاپ می شود . این پول متأثر از نرخ بهره و تورم است و ارزش خود را در اقتصادی که دچار تورم است از دست می دهد . لذا پول اعتباری نمی تواند ارزش ثابت داشته باشد و ممکن است دستخوش تغییرات مداوم شود . اما در اسلام ، "ارزش پول ثابت" است و وسیله مبادله با پول اعتباری سنجیده نمی شود . لذا معیار پول در اقتصاد اسلامی یک واحد حقیقی و ثابت است لذا پول که وسیله مبادله کالا است ارزش آن در منطق اقتصاد اسلامی تغییر نمی کند . ولی در اقتصاد مبتنی بر مکانیزم بازار قیمت کالا متأثر از نرخ تورم یا بر اساس نقطه تعادلی که از برخورد عرضه و تقاضا شکل می گیرد ، تعیین می شود . لذا پول اعتباری متأثر از نرخ تورم برابری خود را با ارزش خارجی که چه یک معاهده قراردادی بین المللی باشد چه کاهش دستوری برابری پول ملی با سایر ارزهای معتبر جهانی باشد ، ارزش اعتباری خود را از دست می دهد . ذیلاً به تحلیل علمی و کلاسیک این موضوع در دو نظام اقتصادی کاملاً متفاوت می پردازیم :

#### الف : اقتصاد مبتنی بر مکانیزم بازار یا اقتصاد سرمایه داری :

همانطور که اشاره شد در نظام اقتصادی با منطق بازار ، بهره یکی از مهمترین متغیر اقتصادی ، تعادل را در بازار کالا و خدمات و دایره برقرار می کند . تعادل در بازار کالا و خدمات توسط **منحنی IS** و تعادل در بازار داراییها به وسیله **منحنی LM** برقرار می شود . در معادله ی مرتبط با این بحث (مدل مصرف کینز) مخارج مصرفی مستقل ، میل نهایی به مصرف که خود تابعی از درآمد قابل تصرف است ، بستگی دارد . مخارج مستقل مصرف خود شامل ، مخارج دولت ، سرمایه گذاری و مخارج مستقل معادله در آمد تعادلی است که معادله آن به شرح زیر است :

$$Y \equiv A/I - c \quad c = c(I - t) \quad (1)$$

در درآمد تعادلی در مدل کینز دارای دو عامل تعیین کننده است .  $A$  مخارج مستقل و  $c$  میل نهایی به مصرف نسبت به درآمد .

$(I - t)$  در آمد قابل تصرف پس از کسر مالیات است . در معادله ( ۱ ) هر چند سطح مخارج مستقل بالا تر و میل نهایی به مصرف بزرگتر باشد ، سطح تعادل درآمد بزرگتر خواهد بود .

در تابع منحنی تقاضای سرمایه گذاری نشان داده شده ، میزان نرخ بهره با مخارج سرمایه گذاری رابطه معکوس دارد .

$$I = I - bi \quad b > 0 \quad (2)$$

$i$  میزان بهره و  $b$  ضریب میزان واکنش سرمایه گذاری نسبت به بهره است . تابع مخارج سرمایه گذاری نشان می دهد هرچه میزان بهره پایین تر باشد ، مخارج سرمایه گذاری برنامه ریزی شده بیشتر خواهد بود .

#### ۱- میزان بهره و تقاضای کل : منحنی IS

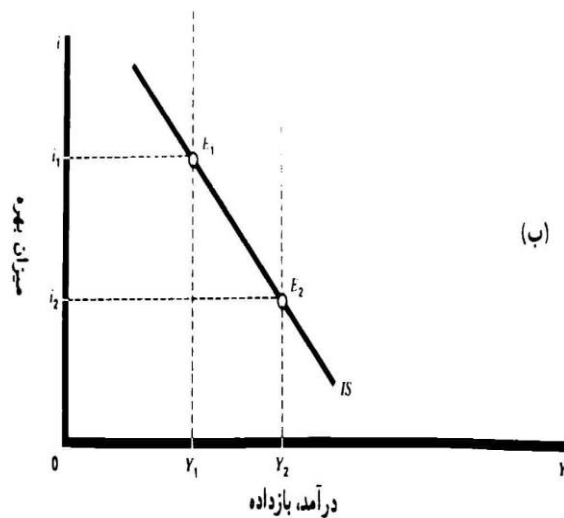
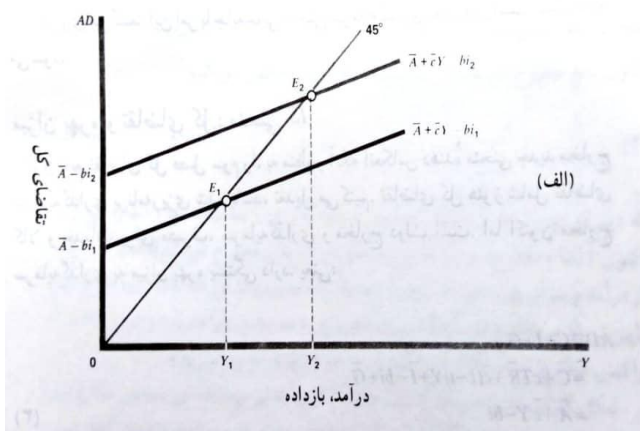
میزان نرخ بهره با تقاضای کل ، منحنی  $is$  را به نمایش می گذارد . تقاضای کل شامل تقاضای کالا و خدمات برای مصرف ، سرمایه گذاری و مخارج دولت است . اشاره کردیم سرمایه گذاری به میزان بهره بستگی دارد .

$$AD \equiv C + I + G = C + cTR + c(I - t)Y + I - bi + G \quad (3)$$

$$= A + Cy - bi$$

$$A \equiv C + cTR + I + G \quad (4)$$

معادله ۳ نشان می دهد افزایش میزان بهره ، سبب کاهش تقاضای کل در هر سطحی از درآمد می شود . زیرا افزایش نرخ بهره سبب کاهش مخارج سرمایه گذاری می گردد . ولی در هر سطح از میزان بهره می توانیم سطح درآمد و بازده تعادلی را تعیین کنیم . اگر دوباره میزان بهره تغییر کند ، سطح درآمد تعادلی نیز تغییر می کند . رابطه ای که میان میزان بهره و سطح تعادل درآمد در بازار کالا و خدمات برقرار است ، منحنی  $is$  است . در نمودار منحنی های زیر تعادل در بازار کالا و خدمات با توجه به تقاضای کل و میزان بهره نشان داده شده است .



همانطور که در نمودار مشاهده می شود منحنی  $is$  دارای شیب منفی است . به این معنی با افزایش میزان بهره ، مخارج سرمایه گذاری کاهش یافته و موجب کاهش تقاضای کل می شود و در نتیجه سطح تعادل درآمد را فراهم می کند . ضمناً شیب تند منحنی  $is$  به حساسیت مخارج سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره و نیز به ضریب فزاینده  $\alpha$  بستگی دارد . یعنی هرچه ضریب فزاینده بزرگتر باشد ، افزایش درآمد بیشتر است . در ضمن سیاست های مالی می تواند شیب منحنی  $is$  را تغییر دهد . چون ضریب فزاینده بر اثر افزایش مالیات ، کوچکتر شده و شیب منحنی  $is$  تند تر خواهد شد .

## ۲- بازار داراییها و منحنی LM

علاوه بر منحنی  $is$  که نشان می دهد در هر سطحی از بهره ، تعادل در بازار کالا و خدمات ایجاد می کند ، نرخ بهره بر بازار داراییها نیز تاثیر گذاشته و تعادل ایجاد می کند که با منحنی LM قابل نمایش است . بازار دارایی بازاری است که در آن پول ، طلا ، اوراق قرضه ، سهام ، مسکن و شکل های دیگر دارایی و ثروت مورد داد و ستد قرار می گیرد .

اشخاص که از مجموع داراییهای نظیر پول و سایر اشکال داراییها برخوردار است ، تصمیم می گیرد با توجه به تغییرات نرخ بهره و بازار داراییها ، چگونه و با چه ترکیبی از داراییهای خود را نگهدارد تا از کاهش های ناشی از نرخ تورم یا ارزش داراییهای خود را بیشتر نماید . تصمیم گیری شخص از اینکه در بازار داراییها چگونه داراییهای خود را نگهدارد به نرخ بهره بستگی دارد که تغییرات آن در منحنی LM نمایش داده می شود و تحلیل آن در تقاضای اسمی و واقعی پول قابل بیان است . تقاضای اسمی پول ، بدون در نظر گرفتن قدرت خرید شخص نسبت به کالا تعیین می شود . ولی تقاضای واقعی پول به میزان قدرت خرید پول برای یک کالای به خصوص در دو زمان مختلف است . بنابراین تقاضای واقعی پول ، حسب شمار واحدهایی از کالا است که با این پول خریداری می کند . مقدار آن برابر است با تقاضای اسمی پول ، تقسیم بر سطح قیمتها ( $M/p$ ) . بنابراین هر گونه از داراییها ، بامانده واقعی پول قابل اندازه گیری است . به عنوان مثال اگر میزان ماندگاری اوراق قرضه را به خویم اندازه گیری کنیم باید میزان واقعی اوراق قرضه را محاسبه نماییم . میزان آن برابر است از میزان اسمی اوراق قرضه ، تقسیم بر سطح قیمتها .

نگهداری پول نزد مردم نیز به هزینه نگهداری پول بستگی دارد . هزینه نگهداری پول به میزان نرخ بهره و ارزش سایر داراییها یا به مانده واقعی پول بستگی دارد . تقاضا برای مانده واقعی پول هم به سطح درآمد و میزان نرخ بهره بستگی دارد . هرچه نرخ بهره بیشتر باشد ، هزینه نگهداری پول به جای نگهداری سایر داراییها پرهزینه تر است . از این رو مردم پول نقد کمتری در هر سطحی از درآمد نگهداری می کنند . معادله آن به شرح زیر است :

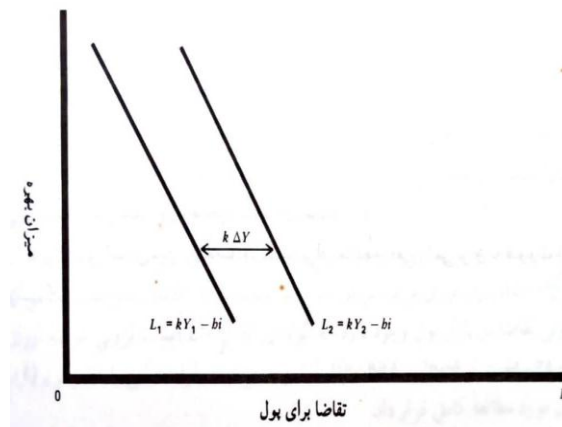
$$L = Ky - hi \quad k > 0 \quad h > 0 \quad (5)$$

پارامترهای  $k$  و  $h$  حساسیت تقاضا برای مانده واقعی پول ( $L$ ) را، به ترتیب نسبت به سطح درآمد و میزان بهره منعکس می کند .

در تحلیل زیر مشاهده خواهیم کرد تعادل در عرضه پول چگونه در منحنی LM برقرار می شود :

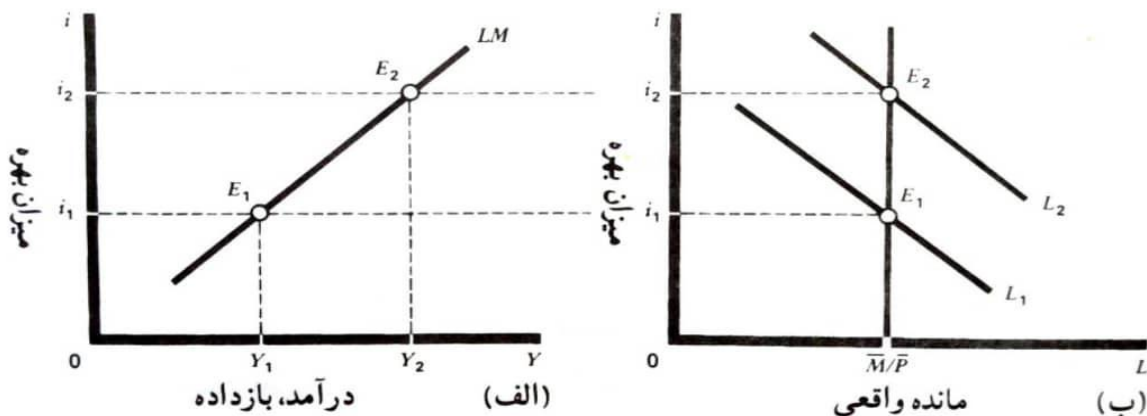
در منحنی زیر میزان بهره در محور عمودی و تقاضا برای پول در محور افقی نشان داده شده است . همانطور که مشاهده می گردد ، تقاضای پول رابطه معکوس با میزان نرخ بهره دارد . تقاضای اسمی پول در شرایطی که اقتصاد دارای نرخ تورم بالاتر از نرخ بهره می باشد ، کم است و نگهداری پول نقد نزد مردم به شدت کاهش یافته و تقاضا به طرف خرید کالاهای بادوام سوق پیدامی کند .

سطح درآمد می تواند تقاضای پول را به طرف راست انتقال دهد . در نمودار زیر انتقال منحنی تقاضای واقعی پول را نشان داده شده است .



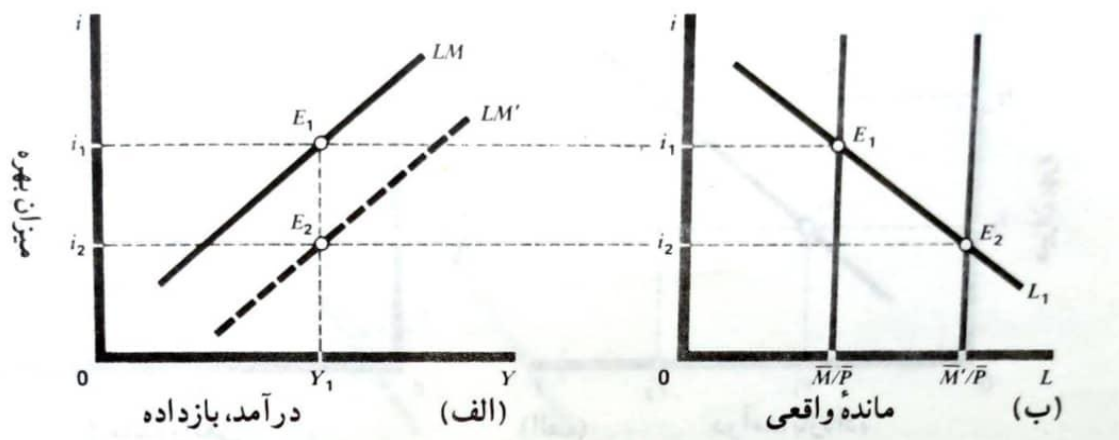
منحنی فوق تقاضا برای مانده واقعی پول را که تابعی از میزان بهره و درآمد واقعی است، نشان می دهد. عرضه واقعی پول عبارت از مقدار اسمی پول تقسیم بر سطح قیمت کالاها ( $L = M/p$ ). منحنی های زیر بازار پول را نشان می دهد. عرضه مانده واقعی پول، خط عمودی  $M/P$  در نمودار نشان داده شده است. عرضه اسمی توسط بانک مرکزی وارد بازاری می شود. در نمودار دوم منحنی  $LM$  در شرایطی که درآمد و باز داده در برابر نرخهای مختلف بهره در نقاط  $E$  به تعادل می رسند نشان داده شده است.

منحنی های زیر بازار پول را نشان می دهد. عرضه مانده واقعی پول، خط عمودی  $M/P$  در نمودار نشان داده شده است. عرضه اسمی توسط بانک مرکزی وارد بازاری می شود. در نمودار دوم منحنی  $LM$  در شرایطی که درآمد و باز داده در برابر نرخهای مختلف بهره در نقاط  $E$  به تعادل می رسند نشان داده شده است.

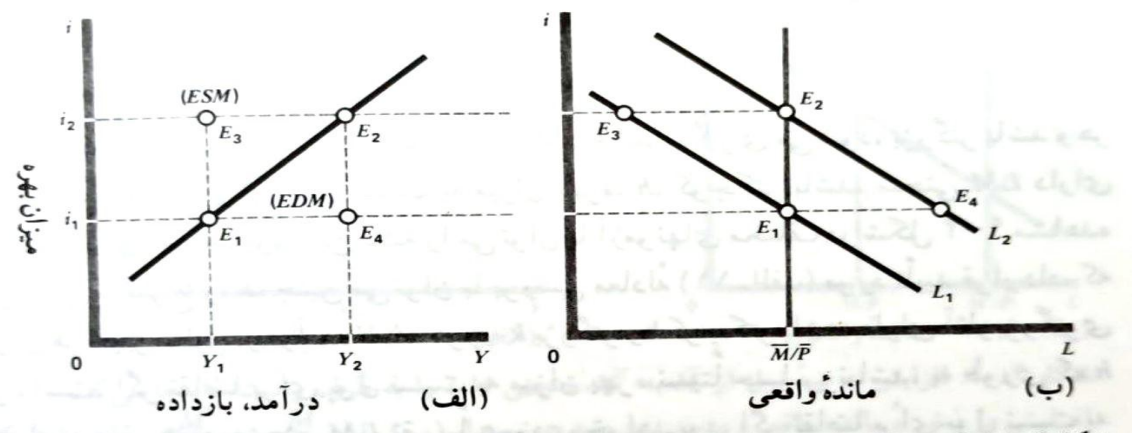


زمانی که منحنی  $LM$  جابجا می شود، اثر افزایشی سطح درآمد در هر سطحی از میزان بهره را نشان می دهد. بدین معنی منحنی تقاضا برای مانده پول واقعی، به بالا و طرف راست منحنی حرکت می کند. در نقطه بالاتر  $E$  با نرخ بهره جدید ( $i$ ) به تعادل می رسد.

. برعکس منحنی  $is$  ، منحنی  $LM$  دارای شیب مثبت است . زیرا افزایش نرخ بهره سبب کاهش تقاضا برای مانده واقعی پول می شود . این رفتار در منحنی های زیر در مقادیر مشخصی از درآمد ، باز داده و مانده واقعی پول نشان داده شده است .



زمانی که منحنی  $LM$  جابجا می شود ، اثر افزایشی سطح درآمد در هر سطحی از میزان بهره را نشان می دهد . بدین معنی منحنی تقاضا برای مانده واقعی پول واقعی ، به بالا و طرف راست منحنی حرکت می کند . در نقطه بالاتر  $E$  با نرخ بهره جدید (i) به تعادل می رسد . برعکس منحنی  $is$  ، منحنی  $LM$  دارای شیب مثبت است . زیرا افزایش نرخ بهره سبب کاهش تقاضا برای مانده واقعی پول می شود . این رفتار در منحنی های زیر در مقادیر مشخصی از درآمد ، باز داده و مانده واقعی پول نشان داده شده است .



برای حفظ برابری تقاضا برای مانده واقعی پول با عرضه ثابت ، باید سطح درآمد افزایش یابد . بنا براین ، تعادل در بازار پول بدان مفهوم است که افزایش میزان بهره ، با سطح درآمد همراه است .

همانطور که در نمودارهای فوق نشان داده شد ، منحنی  $LM$  را می توان به طور مستقیم ، با تلفیق منحنی تقاضا برای مانده واقعی پول ، معادله و عرضه ثابت مانده واقعی پول را بدست آورد .

$$M/p = KY - hi$$

( ٦ )

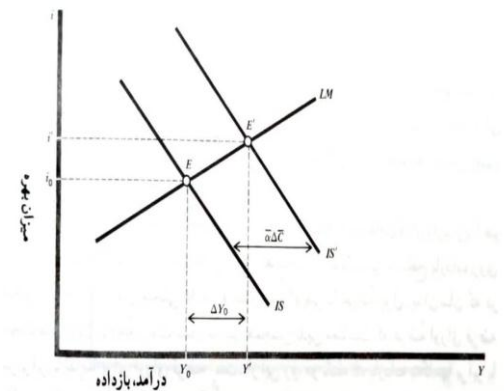
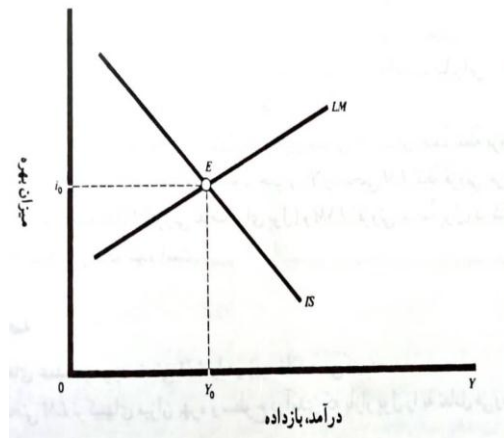
با حل معادله ٦ برای میزان بهره خواهیم داشت :

$$i = 1/h (KY - M/p)$$

معادله فوق منحنی LM را بیان می دارد .

### ٣- تعادل در بازارهای کالا و دارایی : منحنی های $is$ و $LM$

موارد مورد اشاره فوق در خصوص برقراری تعادل ، به ترتیب در بازار کالا و بازار پول بود . مقصود از تعادل در بازار کالا و دارایی که تعیین کنیم چگونه این بازارها به طور همزمان به تعادل می رسند . برای تعادل همزمان ، میزان بهره و سطح درآمد باید به گونه ای باشند هم بازار کالا و هم بازار پول در تعادل قرارگیرند . **در نمودار زیر نشان داده شده است** ، این شرایط تعادل در نقطه E برقراری گردد . بنا براین با معلوم بودن متغیرهای برون  $z$  ، به ویژه عرضه پول واقعی و سیاست مالی ، میزان بهره تعادلی  $i$  و سطح درآمد تعادلی  $Y$  خواهد بود . در نقطه E بازار کالا و بازار دارایی ، هر دو به تعادل قرار دارند . در تحلیل نمودار زیر این خلاصه را بیان می دارد که میزان بهره و سطح باز داده به وسیله اثر متقابل بازار دارایی (  $LM$  ) و بازار کالا (  $is$  ) تعیین می شود .



## خلاصه تحلیل مطالب اشاره شده در اقتصاد سرمایه داری :

گذشته از بحث های کلاسیک اقتصاد سرمایه داری که دست نامرئی بازار تعادل کلی در عرضه و تقاضا برقرار میکند و موجب اشتغال کامل در بازار کار می گردد و از همه ظرفیت های اقتصاد استفاده می شود ، عبور می کنیم . فقط به مبحث بهره به عنوان متعادل کننده بازار کالا و داراییها اشاره می نمایم .

در اقتصاد با حاکمیت بازار ، بهره نقش کلیدی در ایجاد تعادل بازار کالا و خدمات و نیز در بازار دارایی ها دارد . **تعادل در بازار کالا و خدمات** توسط منحنی  $IS$  و تعادل در بازار داراییها با منحنی  $LM$  برقرار می شود . منحنی  $IS$  دارای شیب منفی است . زیرا افزایش میزان بهره موجب کاهش مخارج سرمایه گذاری برنامه ریزی شده می شود و بنابراین ، سبب کاهش تقاضای کل و بدین سان کاهش سطح درآمد می گردد . هرچه ضریب فزاینده کوچکتر و حساسیت مخارج سرمایه گذاری به تغییرات میزان بهره کمتر باشد ، منحنی  $IS$  دارای شیب تند تری است . برعکس هرچه میل نهایی به مصرف ( ضریب فزاینده ) بزرگتر باشد ، شیب منحنی تقاضا تندتر بوده و منحنی  $IS$  مسطحتر خواهد بود . نقاط بالا و طرف راست منحنی  $IS$  موافق با فزونی عرضه کالا است ، و نقاط پایین و سمت چپ منحنی  $IS$  با فزونی تقاضا برای کالا همخوانی دارد . در میزان بهره بالاتر ، مخارج سرمایه گذاری بسیار پایین است . بنا براین باز داده از مخارج برنامه ریزی شده پیشی می جوید و بازار دارای فزونی عرضه کالا خواهد بود . بنا براین با تغییرات در نرخ بهره موجب تغییرات در تقاضای کل و عرضه کل و نیز سطح مخارج در هر سطحی از درآمد می گردد . در هر صورت در یک سطح مشخصی از قیمت کالا و خدمات تعادل در عرضه کالا با هر سطحی از درآمد توسط متغیر کلیدی بهره در منحنی  $IS$  برقرار می شود .

**تعادل در بازار داراییها** نیز با نقش کلیدی بهره تعیین می شود . بازار داراییها که شامل ، پول ، اوراق قرضه ، سهام ، طلا ، مسکن و انواع داراییهای دیگر است ، بانقش کلیدی بهره توسط منحنی  $LM$  به تعادل می رسد . شیب منحنی  $LM$  مثبت است .

به ترتیبی که مشاهده شد ، متغیر بهره در تعادل بازار کالا و خدمات و نیز در بازار داراییها نقش کلیدی دارد . این تعادل در هر سطحی از درآمد حاصل می شود . حال باید دید اگر اقتصاد ایران با دیدگاه اقتصاد سرمایه داری اداره می شود ، آیا قوانین اقتصاد بازار بر آن حاکم است ؟ اگر چنین باشد نرخ بهره باید بالا تر از نرخ تورم باشد تا بتواند تقاضای کل را کاهش داده و از مخارج سرمایه گذاری بکاهد و نیز در بازار داراییها با تغییرات در تقاضای مانده واقعی پول ، تعادل در دوبازار کالا و داراییها ایجاد نماید . در یک بررسی ساده ، ولی نشان می دهد همواره مسؤلان ارشد دستگاههای اجرایی مرتبط در برخورد با بدیهیات اقتصادی ، بیراهه رفته و به ناکجا آباد سردرآورده اند . نرخ بهره دستوری بدون در نظر گرفتن نقش بهره در تقاضای پول ، بازار سهام ، اوراق قرضه ، مسکن و سایر داراییها نظیر تقاضا برای ارز و سکه که در اقتصاد ایران به شدت رواج داشته و پیامدهای بزرگی مثل افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش پول ملی منجر شده است . این دوگانگی هادر اقتصاد ایران وضعیت کشور را به ویژه در دوره اخیر تا مرز بحران سوق داده است . لذا تکلیف اقتصاد ی که آیا اقتصاد مبتنی بر مکانیزم بازار بر کشور حاکم است و درچنین فضایی باید قواعد اقتصاد سرمایه داری حاکم باشد . تا بتواند با همان قواعد متغیر های درون زا و بیرونزا نقش های خود را ایفا نمایند . لذا نقش بهره باید به عنوان یک متغیر متعادل کننده تقاضای واقعی پول و سایر داراییها نقش کلیدی با توجه به نرخ تورم دیده شود . اما می بینیم تا کنون چنین نبوده است . مسؤلین ارشد دستگاههای اقتصادی در نظام برنامه ریزی اقتصادی ، از نقش اقتصاد اسلامی در برنامه ریزی های خود غافل شده اند . این مصیبت از زمانی بر کشور عارض شد فضای غالب کشور ، پرداختن به تجارت ، سوداگری و معاملات سود آور متمرکز شد . دولت ها نه تنها در مقابل فعالیت های مخرب اقتصادی این عده نایستادند بلکه در جهت سوداگری حرکت کردند . حتی با ایجاد تسهیلاتی نظیر کاهش تعرفه های واردات و کاهش سود بازرگانی و اختصاص ارز ارزان قیمت در اختیار این افراد قرار گرفت و به این رویه سوداگرانه شدت بخشیدند .

اقتصاد ایران نیاز به اصلاح ساختاری اساسی دارد . در این دوره که یکنفر با تفکر عدالتخواهانه به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم پا به عرصه میدان گذاشته و صراحتاً اعلام کرده به قصد مبارزه با فساد و رانت خواری وارد میدان شده و امیدی در دل عامه مردم که در فضای تبعیض آلود ، ایجاد کرده است ، باید فرصتی برای نخبگان دلسوز فراهم کرد که تاکنون منتقد ادامه سیاست های سوداگرانه فرصت طلبانی بودند که بارها با استفاده از رانت های اقتصادی و تجاری سود هنگفتی به جیب زده اند ، بدون آنکه مالیاتی بابت تجارت سوداگرانه خود پرداخت کرده باشند .



این منتقدان دلسوز بارها براین سیاست‌ها تاخته‌اند، ولی هرگز گوش شنوایی نبود تا خطرات این سیاست‌ها را بشنود و نسبت به اصلاح این رویه خاتمان سوز که عده‌ای بدون زحمت و تلاش به ثروت‌های کلان دست یافتند و باعث شکاف طبقاتی عمیق بین فقیر و غنی جامعه شدند، تجدید نظر نمایند.

امین دلیری

کارشناس اقتصادی و مدرس دانشگاه

۱۲ تیرماه ۱۴۰۰